

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۶ اکتوبر ۲۰۱۸

برخورد کمونیستی به مسأله ملی

(۴)

برخورد کمونیستی به مسأله حق ملل در تعیین سرنوشت خویش در دوران امپریالیسم

در عرصه عملی و مشخص

نظر حزب کار ایران (توفان) در مورد حل مسأله ملی در ایران و در عراق و سوریه

۲- مسأله ملی کردها در عراق

امروز با انجام همپرسی بر سر مسأله ملی در عراق و جدائی کردستان عراق از آن کشور، حل مسأله ملی در ایران را- از جمله برخورد به حقوق ملی خلق کرد- در میان نیروهای سیاسی ایران به مسأله روز بدل کرده است. ما همانگونه که در بخش تئوریک به این امر پرداختیم حل مسأله ملی در ایران، عراق، ترکیه و سوریه را مسأله ای جدا از مبارزه به ضد امپریالیسم در عصر کنونی نمی دانیم و لذا از مبارزاتی که نه در خدمت انقلاب پرولتری در منطقه، بلکه در چارچوب اختلافات بورژواهای منطقه صورت می گیرد دفاع نمی کنیم زیرا این نزاعها بر اساس تمام تجارب تاریخ این منطقه همواره در خدمت مصالح امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه بوده است. کردهای عراق زمانی به تلاش برای جدائی از عراق دست می زنند که به حقوق ملی خویش بر اساس قانون اساسی عراق در چارچوب خودمختاری خلق کرد در عراق دست یافته و حتی این قانون اساسی را به رسمیت شناخته اند. به این جهت استفاده آنها از "حق جدائی" که به شکست مقتضحانه منجر شد، اقدامی در خدمت تفرقه و به ضد وحدت دموکراتیک پرولتاریای عراق، در خدمت منافع امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه بوده و هست. همدستی رهبران کردهای عراق با صهیونیستهای اسرائیل تاریخ طولانی دارد و همواره به ضد منافع خلقهای منطقه و خلق فلسطین بوده است. رهبران سیاسی کردهای عراق همواره از اسرائیل انواع و اقسام کمکهای مالی و نظامی و کارشناسی را برای "کسب استقلال" و به ضد خلقهای عرب و ایران دریافت کرده و می کنند. هم اکنون کردستان عراق به پایگاه عوامل پنهان و آشکار صهیونیسم و امپریالیسم بدل شده است. حمایت از این "استقلال" کردها، حمایت از بورژوازی ارتجاعی کرد در عراق است، که در حمایت از امپریالیسم و صهیونیسم، محاصره اقتصادی عراق و کشته شدن یک میلیون کودک عراقی راتأیید کردند و برای تجاوز امپریالیسم امریکا به عراق جشن گرفتند. این "استقلال" به ضد همه خلقهای

منطقه بوده و به نفرت ملی در منطقه دامن زده و منجر به آن شد که همهٔ خلقها و پرولتاریای منطقه به اقدامات ناسیونال شونیستهای کرد در عراق با شک و تردید بنگرند و آنها را دست دراز شدهٔ امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه ببینند که با نابینائی ناسیونال شونیستی به ضد منافع همهٔ خلقهای منطقه اقدام کرده و به منافع بورژوازی ارتجاعی گرد اولویت می‌دهند.

"توفان"، "ارگان سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان" در شمارهٔ تیرماه [سرطان] ۱۳۴۹ (جون ۱۹۷۰) در مقالهٔ "بار دیگر در بارهٔ مسألهٔ ملی کردهای عراق" نوشت: "چنان که می‌دانیم قیام کردهای عراق به رهبری مصطفی بارزانی از روز نخست و در طی تمام نه سال عبارت بوده است از قیامی صرفاً ملی و جدا از انقلاب ملی و دموکراتیک کشور عراق. مصطفی بارزانی بارها اظهار داشته که حاضر است برای پیشرفت مسألهٔ ملی کرد از هر جانب اسلحه بگیرد، خواه از شوروی و خواه از امریکا. این اظهار او مظهر روش رفرمیستی و سازشکارانه است، مظهر جدائی قیام کردهای عراق از مبارزهٔ ضد امپریالیستی است.

در روزهایی که عبدالسلام عارف کودتا کرد و ددمنشانه به کشتار کمونیستها و دموکراتهای عراق پرداخت مصطفی بارزانی از جای نجنبید و به عارف امکان داد که دیکتاتوری خونین خود را پایه گذاری کند، به این امید که شاید از دولت عارف رشوهای برای ملت کرد به دست آورد. با دولتهای بعدی نیز پیوسته در تلاش چنین سازشی بود. چندی پیش نمایندهٔ دولت عراق در پاریس آشکار ساخت که مصطفی بارزانی در جون ۱۹۶۸ به مناسبت حملهٔ راهزنانهٔ اسرائیل بر کشورهای عربی و پیروزی موقت وی به آن دولت تبریک گفته بوده است. این اقدام مصطفی بارزانی بعید نیست زیرا که او برخورد اسرائیل را با خلقهای عرب به مثابه برخورد اقلیت ملی با ملت حاکم، مانند برخورد ملت کرد با ملت عرب در عراق تلقی می‌کند. حداقل این است که مصطفی بارزانی هیچ گاه با خلقهای عرب در مبارزه به ضد صهیونیسم و امپریالیسم همکاری نکرده است.

در دورانی که بین حکومت محمد رضا شاه و دولت عراق اختلاف افتاد مصطفی بارزانی بر شاه ایران تکیه کرد و به نام مبارزه برای احراز حقوق ملی کرد در عراق از وی اسلحه گرفت. این مطلب را بارها جراید مختلف نوشته‌اند. شاه نیز در جواب خبرنگار رادیو تلویزیون فرانسه آن را تأیید کرده است...

کردهای عراق در زمان حکومت ضد امپریالیستی عبدالکریم قاسم که می‌خواست نفت عراق را ملی کند و اصلاحات ارضی به نفع دهقانان انجام دهد، به علت ماهیت عشیره‌ئی، فئودالی ناسیونال شونیستی و ارتجاعی خویش به مخالفت با برنامهٔ وی برخاستند و در زمانی که به رهبری امریکا و انگلستان به ضد عبدالکریم قاسم کودتا شد، برای این که به کودتاگران کمک کنند، به ضد عبدالکریم قاسم رئیس جمهور مترقی عراق و ارتش عراق دست به مبارزهٔ مسلحانه زدند. حزب دمکرات کردستان عراق عده‌ای را برای آموزش دوره‌های نظامی و اطلاعاتی به اسرائیل فرستاد که از میان آنان دو نفر از فرزندان مصطفی بارزانی نیز شرکت داشتند، مسعود بارزانی و ادیس بارزانی. شخص مصطفی بارزانی نیز در دو نوبت در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۲ از اسرائیل بازدید به عمل آورده و با صهیونیستها پیمانهای همکاری منعقد کرده است. اسرائیلی‌ها در زمینهٔ نظامی اسلحه‌های روسی را که در زمان جنگ ۱۹۶۷ از اعراب به غنیمت گرفته بود در اختیار کردها قرار دادند که به ضد دولت عراق از آن استفاده کنند.

کردهای عراق در زمان تجاوز امپریالیسم امریکا به عراق و سرنگونی دولت مستقل و قانونی صدام حسین با توسل به جعلیات و دروغهای مشهور به "سلاحهای کشتار جمعی در عراق" با امپریالیسم و صهیونیسم همدستی کردند و مسؤولیت بیش از یک میلیون قربانی محاصرهٔ اقتصادی عراق و تجاوز به این کشور را به عهده دارند.

همکاری آنها با دولت اسرائیل در زمان ربودن اوجلان نیز مشهود است. دولت اسرائیل برای نمونه با همکاری موساد، سازمان جاسوسی اسرائیل نقش اصلی را در ربودن عبدالله اوجلان رهبر ملی خلق کرد در ترکیه به عهده داشت. آنها وی را که مواضع ضد امپریالیستی و دموکراتیک دارد از کشور کنیا زدیدند، به ترکیه آورده و وی را دست بسته در اختیار پولیس فاشیست ترکیه قرار دادند. در آن زمان کردهای عراق کوچکترین اعتراضی به این عمل نمودند.

روشن است که کردستان مستقل عراق با این تاریخچه و این سیاست تنها در خدمت ایجاد یک پایگاه ضد انقلابی در منطقه است و نمی‌تواند در خدمت مصالح خلق کرد، پرولتاریای کرد و خلقهای منطقه باشد. این اقدام در خدمت نقض حاکمیت، و حقوق ملل در منطقه است که مستمراً از جانب امپریالیسم و صهیونیسم مورد تجاوز است. ناسیونال شونیستهای کرد که خود را دموکرات جا می‌زنند هرگز حاضر نیستند از حقوق ملت فلسطین و نقض حق حاکمیت آنها دفاع کنند. آنها اشغال سرزمین‌های فلسطین را تأیید می‌کنند.

در اواسط سالهای ۷۰ میلادی شاه ایران به کردهای بارزانی در زمان اختلافات ایران با رژیم عراق که زیر نفوذ شوروی بود کمک تسلیحاتی می‌کرد و آنها را آریائی الاصل خطاب می‌نمود. بارزانی برای "کسب حقوق خلق کرد" در عراق به رژیم شاه و امپریالیسم امریکا تکیه داده بود. در سال ۱۹۷۵ بعد از این که در الجزایر توافقی میان شاه و صدام حسین با پا در میانی بومدین رئیس جمهور وقت الجزایر صورت گرفت، شاه کردهای عراق را قربانی کرد و جنبش کردستان که متکی به شاه و امپریالیسم و صهیونیسم اسرائیل بود در هم شکست و ملا مصطفی بارزانی به ایران فرار کرد. نشریه توفان شماره ۹۵، ارگان سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان در تیر ماه [سرطان] ۱۳۵۴ مطابق جولای ۱۹۷۵ نوشت: "بارزانی به جای آن که بر نیروی خود تکیه زند، بر شاه، این دشمن خلق کرد تکیه کرد که در ظاهر به او لبخند می‌زد و او را از پشتیبانی خود مطمئن می‌ساخت ولی در واقع هوادار شکست و سرکوب خلق کرد عراق بود و در واقع هم از پشت به خلق کرد عراق خنجر زد"

نشریه توفان شماره ۹۵، ارگان سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان در تیر ماه [سرطان] ۱۳۵۴ مطابق جولای ۱۹۷۵ به نقل از مجله نیوزویک مؤرخ ۷ اپریل ۱۹۷۵ تحت عنوان "کردها و اسرائیل" نوشت:

"یکی از دلایل خشم و سلب اعتماد مقامات اسرائیلی از امریکا در طول مذاکرات اخیر خاورمیانه این حقیقت است که امریکائی‌ها قبلاً تصمیمات اخیر "شاه ایران" و قطع کمک وی به "یاغیان کرد" عراق را می‌دانستند و از اورشلیم مخفی می‌داشتند.

اسرائیل مدت پنج سال، تهیه اسلحه و مهمات و فرستادن کارشناس نظامی برای کردها را در یک معامله سه طرفه با امریکا و ایران به عهده داشته است. قبل از این تاریخ پشتیبانی از کردها به شاه ایران محول گردیده بود، ولی اسلحه و مهمات ارسالی به ایران از طرف امریکا آنقدر کافی(!) نبوده است تا "شاه ایران" بتواند اسلحه و مهمات "یاغیان کرد" را تأمین کند. لذا مهمات و تجهیزات امریکائی برای "کرد"ها- و مسلماً از طریق ایران-ارسال می‌گردید."

نشریه "آفتاب نیوز" در یکشنبه ۲ اپریل ۲۰۱۷ مطابق با ۱۳ حمل ۱۳۹۶

"رهبران کرد عراق هنوز هم روابط خوب با اسرائیل دارند. به عنوان مثال، در سال ۲۰۰۴ مسعود بارزانی و جلال طالبانی به اسرائیل سفر کردند و با نخست وزیر سابق اسرائیل، آریل شارن، ملاقات کردند.

به عنوان مثال، در جنگ جون ۱۹۶۷ بین کشورهای عرب و اسرائیل، کردها برای این که از شرکت ارتش عراق در جنگ جلوگیری کنند، دست به یک عملیات گسترده در شمال عراق زدند. در اکتوبر ۱۹۸۰ مناخیم بگین، نخست وزیر وقت اسرائیل، تأیید کرد که بین ۱۹۶۵ و ۱۹۷۵ - زمانی که شاه توفاق‌های الجزائر را با عراق امضاء کرد - اسرائیل به کردها هم کمک‌های انسانی داده بود، هم کمک مالی و هم اسلحه. ولی سرنگونی شاه اسرائیل را از حضور در شمال

عراق محروم کرد و در عین حال این کشور و سازمان جاسوسی و اطلاعاتی آن، یعنی موساد، را مجبور کرد که توجه خود را به کردهای ایران معطوف کنند. اشغال عراق توسط امریکا و انگلیس در سال ۲۰۰۳ پای اسرائیل را بار دیگر به شمال عراق باز کرد، با این تفاوت که این بار هدف ضربه زدن به ایران و ایجاد بی‌ثباتی در آنجا بود. در ماه مارچ ۲۰۱۲ روزنامه تایمز لندن گزارش داد که موساد دارای پایگاه در کردستان عراق است که از آنجا به داخل ایران نفوذ کرده و به جاسوسی در مورد برنامه هسته‌ای ایران می‌پردازد. در این گزارش حتی اعتراف شده که کماندوهای اسرائیل از کردستان عراق به نواحی مختلف ایران، در مکان‌هایی که تأسیسات هسته‌ای ایران قرار دارند نفوذ می‌کنند.

روزنامه فرانسوی فیگارو در جنوری ۲۰۱۲ گزارش داد که مأموران موساد تبعیدیان ایرانی و به خصوص کردها را تعلیمات نظامی و جاسوسی داده تا در ایران عملیات خرابکاری انجام دهند. آموزش اینها در شمال عراق در ناحیه کردنشین آن کشور انجام می‌شود. طبق گزارش فیگارو، قسمتی از این آموزش در رابطه با حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران و ترور متخصصان هسته‌ای ایران می‌باشد، که برای آنها به کردها آموزش داده می‌شود. فیگارو گزارش داد که این آموزش‌ها و حضور موساد در شمال عراق یک عملیات مخفی نیست و در آن ناحیه کاملاً شناخته شده است.

برگرفته از توفان شماره ۲۲۳ مهر ماه ۱۳۹۷ - اکتوبر سال ۲۰۱۸

ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)